

نظام سیاسی

- انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :
- ۱- مفهوم نظام سیاسی و اجزای اصلی آن را توضیح دهد.
 - ۲- عمده‌ترین وظیفه نظام سیاسی را بیان کند.
 - ۳- دو نظام سیاسی خودکامه و قانونی را مقایسه کند.
 - ۴- ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را بیان کند.
 - ۵- ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران را با نظام‌های دیگر مقایسه کند.
 - ۶- ضرورت و اهمیت مشارکت سیاسی را شرح دهد.
 - ۷- راه‌های مختلف مشارکت سیاسی افراد را در جامعه با یکدیگر مقایسه کند.
 - ۸- شرکت در انتخابات را مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی بداند.
 - ۹- تأثیر متقابل نظام سیاسی را بر خانواده تجزیه و تحلیل کند.
 - ۱۰- تأثیر متقابل نظام سیاسی را بر نظام آموزشی شرح دهد.



مفهوم نظام سیاسی

افراد در کنار دوستی با یکدیگر که به تشکیل گروه منجر می‌شود و در آن احساس **یگانگی** و **وحدت** می‌کنند، دچار **برخورد** و **تعارض** هم می‌شوند؛ مثلاً:

– در خانواده، با وجود احساس همدلی و یگانگی میان اعضا، ممکن است میان زن و شوهر، والدین و فرزندان و نیز فرزندان با یکدیگر اختلافاتی پیش آید؛

– در یک گروه دوستی، با وجود صداقت و صمیمیت میان اعضا، گاهی ممکن است اختلافاتی نیز مشاهده شود؛ شاید شما هم تجربه این اختلافات را داشته باشید.

بنابراین، می‌توان گفت: وحدت و یگانگی یک روی زندگی اجتماعی و کشاکش و برخورد روی دیگر آن است. در این برخوردها افراد می‌خواهند به یکدیگر دستور دهند یا به عبارت دیگر، اراده خویش را به یکدیگر تحمیل کنند.

فعالیت ۱-۵ در کلاس بحث کنید:

برای حلّ دعاواها و درگیری‌ها درون گروه‌های زیر، چه چاره‌ای باید اندیشید؟

۱- در خانواده میان فرزندان

۲- در میان خویشاوندان

۳- در مدرسه میان دانش‌آموزان.

در سطح جامعه نیز روابطی شبیه آنچه گفته شد در جریان است. در یک جامعه افراد و گروه‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و گاه میان آنها برخورد و اختلاف پیش می‌آید؛ مثلاً ممکن است:

– افرادی مقررات را رعایت نکنند (به هنجارها عمل نکنند) و به این ترتیب زندگی

اجتماعی را مورد تهدید قرار دهند؛

– گروه‌هایی برای پایمال کردن حقوق گروه‌های دیگر گام بردارند.



بنابراین، افراد و گروه‌هایی که به هنجارها عمل نمی‌کنند، تعادل و هماهنگی جامعه را مختل می‌سازند. گاه تعادل و هماهنگی یک جامعه‌ای به دنبال تجاوز جامعه‌ای دیگر به قلمرو سرزمینی آن با اختلال روبه‌رو می‌شود. گاهی نیز ارتباط میان جوامع و همراه با آن انتقال فرهنگ و فناوری از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، تعادل نظام اجتماعی را مختل می‌کند. در این گونه موارد، چاره‌اندیشی برای رفع اختلالات و عدم تعادل‌ها ضروری و اساسی است.

در گروه‌ها، در کنار نقش‌های مختلف، نقش‌هایی برای حلّ درگیری‌ها و منازعات نیز شکل می‌گیرد؛ به بیان دیگر، حلّ دعواها و درگیری‌ها به نقش‌هایی محوّل می‌شود؛ مثلاً:

– ریش سفید در محله

– پدر یا مادر در خانواده

– پیران و افراد مسن در میان خویشاوندان

– و ...

جامعه نیز در مقابل هر گونه تهدیدی که ممکن است موجب اختلال در تعادل و هماهنگی آن شود، نقش‌هایی را در نظر می‌گیرد. معمولاً این نقش‌ها اختیار استفاده از اجبار فیزیکی (زور) را دارند؛ مثلاً:

– پلیس

– قاضی

– وزیر دفاع

– و ...

فعالیت ۲-۵ برای هر یک از عوامل برهم زننده تعادل نظام اجتماعی که در زیر آمده است، دو نمونه دیگر ذکر کنید.

الف – تضادها و اختلافات داخل جامعه: ۱- برخورد میان هندوها و مسلمانان در

جامعه هند، ۲- ... و ۳- ...

ب- انحراف از قانون: ۱- احتکار، ۲- ... و ۳- ...
پ- تهدید خارجی: ۱- ادعای عراق دربارهٔ بخشی از خاک کویت، ۲- ...
و ۳- ...

بنابراین، به نقش‌هایی که با هدف **حفظ تعادل نظام اجتماعی** شکل گرفته‌اند و می‌توانند در صورت لزوم از اجبار فیزیکی (زور) استفاده کنند، **نقش‌های سیاسی** و به مجموعهٔ به هم پیوستهٔ آنها **نظام سیاسی** می‌گویند.



انواع نظام سیاسی

همان طور که گفتیم، هر گروه و نظام اجتماعی نقش‌هایی دارد که وظیفه آنها حفظ تعادل نظام اجتماعی است؛ از این رو، با توجه به نوع گروه، نقش‌ها و نظام سیاسی هم تغییر می‌کند؛ مثلاً:

- در یک گروه، رهبر گروه یا شورا به مجازات متخلفان می‌پردازد و گروه را هدایت می‌کند.
- در یک حزب یا انجمن، شورای مرکزی مشخص می‌کند که چگونه باید با آنچه حزب یا انجمن را تهدید می‌کند، مقابله کرد.
- در یک قبیله، رئیس قبیله و شورای رؤسای طوایف یا خاندان‌ها نقش‌های سیاسی‌اند که هدایت قبیله را در جهت مقابله با تهدید خارجی و شرایط طبیعی برعهده دارند و به رفع اختلاف میان افراد و طوایف و مجازات متخلفان می‌پردازند.
- در یک کشور، این وظایف را خرده نظام‌های مختلف و نقش‌های متعددی انجام می‌دهند.
- آنچه در اینجا به عنوان نظام سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد، نظام سیاسی گروه سرزمینی یا ملت است که از نظر مکانی در محدوده جغرافیایی مشخصی زندگی می‌کند؛
- نسبت به ملل دیگر از استقلال نسبی برخوردار است؛
- فعالیت سیاسی همه گروه‌ها در حدودی است که این نظام مشخص می‌کند.
- در یک دسته‌بندی نظام‌های سیاسی را به دو نوع خودکامه و قانونی تقسیم می‌کنند:

الف - نظام خودکامه

در چند صد سال پیش، زندگی اجتماعی بیشتر در قالب قوم و قبیله یا خاندان و محله جریان داشت. حفظ تعادل نظام اجتماعی بر عهده ریش سفیدان و سران قبایل بود؛ یعنی کسانی که یا مسن‌تر از دیگران بودند و در جریان زندگی تجربیات بیشتری آموخته بودند یا توانایی جسمی بیشتر یا نسب برتر داشتند.

امر و نهی، تصمیم‌گیری در مورد نحوه برخورد با مشکلات و حل تعارضات با این‌گونه افراد بود. آنها حکومت را حق خود می‌دانستند و در عمل نیز با استفاده از زور و خشونت هر کاری را که می‌خواستند، می‌کردند. در این وضعیت، نظام سیاسی هم حول وجود چنین افرادی شکل می‌گرفت.

— در سطح محدود، خان و زمین‌دار بزرگ (فتودال) و ارباب و ...

— در سطح وسیع، شاه و حاکم و امپراتور و خاقان و فغفور و ...

که در رأس نظام سیاسی قرار داشتند، از اختیارات بسیار برخوردار بودند و در کنار زور و توانایی، از مزایای مادی و احترام نیز بهره داشتند.

این نوع نظام سیاسی که حول وجود فردی به نام شاه (سلطان)، حاکم و خاقان شکل می‌گیرد و افراد براساس وفاداری به چنین اشخاصی می‌توانند حاملان نقش‌های آن باشند، نظام خودکامه شناخته می‌شود که شکل غالب نظام‌های سیاسی در گذشته بوده است.

ب — نظام قانونی

با تغییرها و تحولاتی که در چند قرن اخیر در زندگی انسان‌ها رخ داد، دیگر نظام‌های سیاسی خودکامه قادر به حفظ تعادل نظام اجتماعی نبودند؛ زیرا:

— شهرها گسترش یافتند؛

— نیروهای جدیدی در جوامع سر برآوردند که در نظر آنها اطاعت از فردی به نام

شاه بی‌معنا بود؛

— مفاهیم جدیدی چون برابری و آزادی مطرح شد.

این شرایط و اعتقادات به معنای نفی نظام خودکامه بود.

بدین ترتیب با پذیرش این نکته که:

— مردم حق دارند سرنوشت خود را خود تعیین کنند؛

— شاهان دارای حق طبیعی یا الهی حکومت بر مردم نیستند؛

— و ...

مردم به عنوان محور تعیین‌کننده در نظام سیاسی مطرح شدند. اکنون دیگر، این مردم بودند



که مشخص می‌کردند :

– جامعه چگونه اداره شود؛

– چه کسی و با چه خصوصياتی حکومت کند؛

– افراد چگونه به حکومت برسند؛

– و ...

اما از آنجا که همه مردم نمی‌توانستند نظر خود را در همه امور ابراز کنند، **نماینده‌گی** به منزله

شیوه معمول و مطلوب دخالت مردم در سیاست مطرح شد؛ به این ترتیب :

– نماینده‌گی برای تصویب قوانین (نماینده مجلس)؛

– نماینده‌گی برای اجرای قانون (رئیس جمهور، نخست وزیر...)

– و ...

اساس و مبنای نظام سیاسی جدید قرار گرفت.

علاوه بر این، برخلاف نظام خودکامه که «آنچه فرد مستبد می‌گفت و می‌کرد، قانون

تلقی می‌شد» و مبنای انتخاب افراد برای تصدی مقام‌های سیاسی «وفاداری به او» بود، در

نظام‌های جدید «**قانون به عنوان اساس رفتار همه**» مشخص و معرفی شد و صلاحیت و

شایستگی افراد، مبنای انتخاب آنها قرار گرفت.

در این نظام، اگر گروه‌های مختلف در جامعه دارای منافع مختلفی باشند، اختلافاتشان

را توسط نمایندگان خود در مجلس و قوه مجریه حل می‌کنند؛

– گروه‌های مختلف با عقاید گوناگون حزب و انجمن تشکیل می‌دهند و به فعالیت

سیاسی می‌پردازند؛

– کارگزار حکومت را مردم انتخاب کرده‌اند و او تا زمانی می‌تواند حکومت کند که

مردم بخواهند؛

– افراد با صلاحیت از اقشار مختلف می‌توانند به حکومت برسند؛

– همه چیز قاعده‌مند شده است؛ هر مقام و نقشی وظایف و اختیارات مشخصی دارد

که نمی‌تواند از حدود آنها فراتر رود؛

– و ...

از این رو، به این نظام سیاسی **نظام قانونی** می‌گویند؛ چون در آن، قانون مبنای عمل همه است.

برای مثال، می‌توانیم نظام سیاسی کشور خودمان را مورد بحث قرار دهیم. **فعالیت ۳-۵** با توجه به جدول زیر، پنج مورد دیگر از ویژگی‌های نظام خودکامه و نظام قانونی را بنویسید.

مقایسه نظام خودکامه و نظام قانونی

نظام قانونی	نظام خودکامه
حاکمان باید براساس قانون عمل کنند.	سخن فرد مستبد، قانون است.
همه افراد در مقابل قانون برابرند.	میان افراد در اجرای قانون تفاوت وجود دارد.
.....

سایر دسته‌بندی‌های نظام سیاسی

باید دانست دسته‌بندی‌های مهم‌تری از نظام‌های سیاسی وجود دارد که خوب است با بعضی از آنها آشنا شویم:

۱- براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیر؛ با این ملاک نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که یک فرد در آنها حکومت دارد.

- نظام‌هایی که اقلیتی از مردم در آن تصمیم می‌گیرند.

- نظام‌هایی که اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی آن دخیل هستند.

۲- براساس روش تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری؛ کسانی که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دخیل هستند یا براساس خواسته‌ها و اغراض شخصی خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند یا اینکه بر مدار حقیقت و فضیلت و با موازین عقلی رأی خود را اظهار می‌دارند.



۳- براساس دینی یا دنیوی بودن؛ نظام سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی سکولار و دنیوی، فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ارسطو از دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع حکومت نام می‌برد.

در سه نوع آنها حاکمیت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر مدار خواسته‌های نفسانی آنها شکل می‌گیرد و در سه نوع دوم حاکمیت فرد، اقلیت یا اکثریت بر مدار حقیقت و عقلانیت استوار است.

ارسطو حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آنها باشد، دموکراسی می‌نامد. زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس آرای خود حکومت می‌کنند.

او حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می‌خواند. بدین ترتیب او بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می‌گذارد.^۱

فعالیت ۴-۵ به نظر شما چرا امروزه تفاوت‌های میان حکومت جمهوری و دموکراسی نادیده انگاشته می‌شود؟

۱-

گونه‌شناسی ارسطو

براساس خواست و میل افراد	براساس فضیلت	شیوه حکومت تعداد حاکمان
تیرانی (استبدادی)	مونارشی	فرد
الیگارش	اریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	جمهوری	اکثریت

نظام سیاسی ایران

قبل از مشروطیت، نظام سیاسی کشور ما نظام خودکامه بود. با انقلاب مشروطیت، قدرت شاه محدود و نظام نمایندگی و قانونی برقرار شد ولی دیری نپایید که همان شرایط پیشین در شکل مشروطه خود را نشان داد؛ تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت. نظامی که پایه و مبنای آن را اسلام و رأی مردم تشکیل می‌دهد. در نظام سیاسی ما می‌توان دو گونه نقش را از یکدیگر تفکیک کرد:

۱- نقش‌هایی که افراد در آنها عمدتاً به کار هدایت و جهت‌دهی نظام اجتماعی مشغول‌اند؛ مانند نقش رهبری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، اعضای شورای نگهبان، ریاست قوه قضاییه و وزرا. در این نقش‌ها افراد مشکلات نظام اجتماعی را شناسایی و برای آنها راه‌حل پیدا می‌کنند و آن را به صورت قانون، مقررات، آیین‌نامه و... درمی‌آورند؛ روابط جامعه را با خارج تنظیم می‌کنند و تهدیدهای خارجی و داخلی را شناسایی و برای مقابله با آنها تصمیم‌گیری می‌کنند و ...

۲- نقش‌هایی که عمدتاً تصمیمات و جهت‌گیری‌ها را اجرا می‌کنند و بازوی اجرایی نقش‌های هدایت‌کننده‌اند. خرده نظام اداری، خرده نظام نیروهای مسلح (ارتش و سپاه)، خرده نظام نیروهای انتظامی، خرده نظام قوه قضاییه و ... نمونه‌هایی از این نوع نقش‌های نظام سیاسی‌اند.

نقش رهبری

در رأس نظام جمهوری اسلامی، نقش ولایت فقیه (رهبری) قرار دارد. **خبرگان** **منتخب مردم** فردی را برای احراز این مقام انتخاب می‌کنند. ولی فقیه (رهبر) باید صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مشخصی داشته باشد:

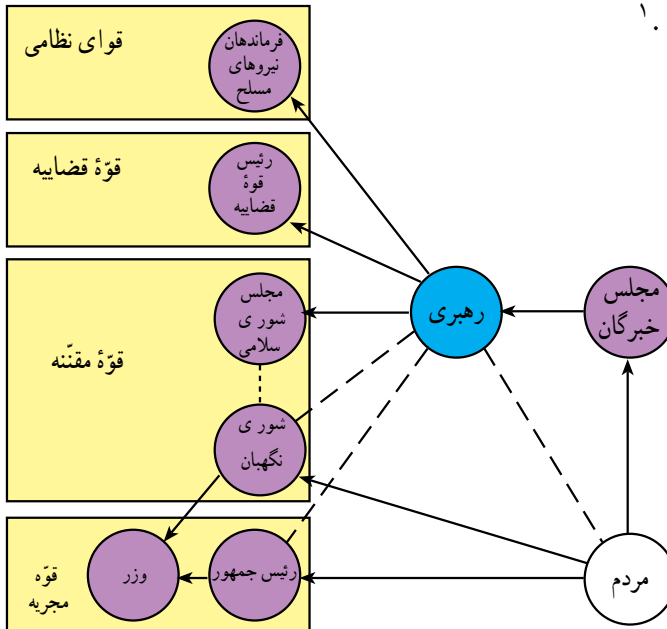
– صلاحیت علمی لازم برای فتوا دادن در ابواب مختلف فقه



- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام
- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی
- تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری
- و ...

رهبر وظایف و اختیاراتی نیز دارد؛ هم چون :

- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی
- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام
- فرماندهی کل نیروهای مسلح
- تنفیذ حکم رئیس‌جمهور
- عزل رئیس‌جمهور
- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
- و ...^۱



نظام سیاسی ایران، نظامی قانونی

۱- برای آگاهی از وظایف و اختیارات رهبر، به کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصدودهم

مراجعة کنید

نقش ریاست جمهوری

نقش رئیس جمهوری در رأس قوه اجرایی قرار دارد و با رأی مردم انتخاب می‌شود. صلاحیت‌های احراز این نقش عبارت‌اند از:

- مدیر و مدبر بودن
 - دارا بودن حسن سابقه و امانت و تقوا
 - مؤمن و معتقد بودن به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور
 - ایرانی الاصل بودن
 - و ...
- وظایف و اختیارات این نقش عبارت است از:
- ریاست قوه مجریه
 - انتخاب وزیران و معرفی آنها به مجلس
 - امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت با سایر دولت‌ها
 - اعطای نشان‌های دولتی
 - نظارت بر کار وزیران
 - و ...
- وزرا و معاونان رئیس جمهوری نقش‌های دیگری‌اند که در قوه اجرایی، سیاست‌گذاری در امور مختلف از وظایف آنهاست.

نقش نمایندگی

در نظام سیاسی، نقش دیگر نقش نمایندگی است که در قالب مجلس شورای اسلامی تبلور یافته است.

۱- «عهدنامه»، قرارداد بین‌المللی بین دو دولت عضو سازمان ملل است «مقاوله‌نامه»، پیش‌نویس یک عهدنامه یا قرارداد است که معمولاً در مراحل مقدماتی ایجاد رابطه یا تحکیم روابط در سطح مسئولان پایین‌تر منعقد می‌شود و الزام‌آور و قابل اجراست «قرارداد» پیمانی تجارتهی است که اکثراً یک طرف آن افراد عادی‌اند «موافقت‌نامه» قرار یا عهدی است که اعتبار آن کمتر از قرارداد و بیشتر از مقاوله‌نامه است



- شرایط و صلاحیت‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی عبارت‌اند از:
- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران
 - تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران
 - و ...
- برخی از وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس عبارت است از:
- قانون‌گذاری
 - حق اظهار نظر و تحقیق در مورد همه مسائل داخلی و خارجی کشور
 - رأی اعتماد به وزیران
 - استیضاح وزیران
 - و ...

شورای نگهبان

در کنار مجلس شورای اسلامی که به کار قانون‌گذاری مشغول است، شورای نگهبان قرار دارد که قوانین مصوب مجلس را از نظر انطباق آنها با شرع و قانون اساسی بررسی می‌کند.

مجلس خبرگان

وظیفه این مجلس که از متخصصان امور دینی تشکیل شده، انتخاب رهبر و نیز تشخیص عدم صلاحیت رهبری بر اساس معیارهای قانون اساسی است. اعضای مجلس خبرگان را مردم انتخاب می‌کنند.

شوراهای اسلامی شهر و روستا

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی، از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا و شهر و ... با نظارت شورایی به نام شورای اسلامی روستا و شهر و ... صورت می‌گیرد.

اعضای هر یک از این شوراها را مردم همان محل انتخاب می کنند. نظام سیاسی کشور فقط به نقش هایی که گفتیم، محدود نمی شود؛ مثلاً خطیبی که در نماز جمعه از سیاست های دولت حمایت می کند، آنها را مورد انتقاد قرار می دهد و از نارسایی های شهر و استان خود سخن می گوید، فعالیت سیاسی دارد و نقش وی نقش سیاسی است؛ بنابراین، می توان نقش خطیب نماز جمعه را نیز بخشی از نظام سیاسی دانست.

فعالیت ۵-۵ در کلاس گفت و گو کنید :

- ۱- آیا رسانه های گروهی (صدا و سیما، روزنامه ها، مجله ها) و احزاب و انجمن ها را نیز می توان بخشی از نظام سیاسی دانست؟ چرا؟
- ۲- چه انتظارات و توقعاتی از مجلس دانش آموزی وجود دارد؟



مشارکت سیاسی

با توجه به اهمیتی که نقش‌های سیاسی (سیاست‌گذار) در نظام اجتماعی دارند و از آنجا که جهت‌گیری نظام اجتماعی تا حد زیادی در گرو تصمیم‌گیری افراد در این نقش‌هاست، افراد و گروه‌های مختلف در جامعه سعی دارند برای پیشرفت مقاصد و تحقق عقاید خود به این نقش‌ها دست یابند. به همین جهت، در جامعه فعالیت‌های بسیاری برای به دست آوردن این نقش‌ها صورت می‌گیرد. مجموعه این فعالیت‌ها که برای دستیابی به این نقش‌ها یا اثرگذاری بر آنها انجام می‌پذیرد، فعالیت سیاسی شناخته می‌شود. افراد و گروه‌ها از راه‌های گوناگون می‌توانند دست به فعالیت سیاسی بزنند و در امور سیاسی مشارکت کنند.

فعالیت ۵-۶ در کلاس گفت‌وگو کنید :

— با ذکر چند نمونه از این راه‌ها، مشخص کنید چه عاملی اشکال مختلف فعالیت‌های

سیاسی را در یک جامعه تعیین می‌کند؟

ممکن است شما نیز این نکته را دریافته باشید که قانون اشکال مختلف مشارکت

سیاسی افراد را در جامعه مشخص می‌کند :

راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات : افراد و گروه‌ها می‌توانند با شرکت در راه‌پیمایی‌ها و

گردهمایی‌های سیاسی و اجتماعی اهداف و مواضع خود را در امور سیاسی جامعه اعلام

کنند؛ برای نمونه، می‌توان از راه‌پیمایی‌های بزرگ اوایل انقلاب اسلامی که با اعلام

مواضع مردم در مقابل حکومت شاه همراه بود، یاد کرد. همچنین در زمان حاضر، می‌توان

به راه‌پیمایی‌های بیست‌ودوم بهمن که معمولاً با اعلام حمایت از نظام و برنامه‌های آن و

نشان دادن قدرت سیاسی کشور به بیگانگان همراه است، نماز جمعه و نیز گردهمایی‌های

گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی که در آنها این گروه‌ها، اهداف سیاسی خود را اعلام می‌کنند

و درصدد جلب نظر افراد و دولت مردان هستند، اشاره کرد.

شرکت در انتخابات : براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از

نقش‌های سیاسی - مانند نمایندگی مجلس خبرگان، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا و ... - از طریق انتخابات و به اتکای آرای عمومی به افراد محول می‌شود.

گاهی آرای عمومی بی‌واسطه است و از طریق همه‌پرسی و در موارد معینی (مانند انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و نظایر اینها) صورت می‌گیرد. همچنین ممکن است در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اعمال قوهٔ مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعهٔ مستقیم به آرای مردم انجام گیرد^۱.

گاهی نیز مراجعه به آرای عمومی با واسطه انجام می‌گیرد؛ به این معنا که ابتدا مردم به نمایندهٔ خود رأی می‌دهند. سپس او به عنوان نمایندهٔ مردم مسائل مختلف جامعه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و اظهار عقیده می‌کند. در این صورت، مردم با استفاده از یک واسطه نظر خود را بیان می‌کنند؛ مانند رأی اعتماد به وزرا.

همکاری با احزاب و انجمن‌ها: در یک جامعه افراد و گروه‌هایی با علایق، منافع و عقاید متفاوت وجود دارند؛ جامعه باید راه‌هایی را مشخص کند تا آنها بتوانند علایق، منافع و عقاید خویش را بیان و از آنها دفاع کنند و در حدود قانون آنها را محقق سازند. یکی از راه‌هایی که جامعه برای این منظور پیش‌بینی کرده، تشکیل احزاب و انجمن‌هاست. در این گونه محافل، افرادی با عقاید، منافع و علایق یکسان گردهم می‌آیند و در حدود قانون، برای دستیابی به نقش‌های سیاسی یا اثرگذاری بر آنها فعالیت می‌کنند. افراد می‌کوشند تا در این نقش‌ها:

- از منافع، علایق، آرمان‌ها و عقاید خویش دفاع کنند؛

- آنها را به صورت قانون و مقررات درآورند؛

- در جهت اجرای آنها بکوشند.

وجود احزاب و انجمن‌ها در یک جامعه آثار و نتایج بسیاری دارد؛ مثلاً:

- خواست‌ها و علایق گروه‌ها و مردم مطرح می‌گردد و برای مشکلات، راه‌حل‌هایی

اندیشیده می‌شود؛ بدین ترتیب، از تحولات ناگهانی جلوگیری می‌گردد؛

۱- به قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ششم مراجعه کنید



- سیاست گذاران از آنچه در جامعه می گذرد، بیشتر اطلاع می یابند؛
- احزاب و انجمن ها با اطلاعاتی که در مورد عملکرد سیاست گذاران در اختیار مردم قرار می دهند، به انتخاب فرد شایسته تر کمک می کنند؛
- و ...

فعالیت ۷-۵ پنج نمونه دیگر از آثار و نتایج وجود احزاب و انجمن ها در جامعه ذکر کنید.

استفاده از رسانه ها : مردم یک جامعه برای ابلاغ پیام ها، بیان افکار و انتقال مفاهیم از رسانه ها استفاده می کنند. امروز با توجه به پیشرفت هایی که در زمینه فناوری ارتباطات به وجود آمده است، رسانه ها بیش از هر دوره دیگری اهمیت یافته اند. افراد، گروه ها و احزاب سیاسی نیز به منظور :

- آگاهی دادن به مردم از طریق اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی
- ایجاد فرصت تفکر و اندیشه برای مردم از راه تفسیر و تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی
- آموزش مردم
- رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم
- آگاهی جامعه از اهداف و برنامه های سیاسی خود
- و ...

از رسانه ها بهره می گیرند^۱.

فعالیت ۸-۵ درباره تأثیرات نامطلوب رسانه ها بر جامعه در کلاس با یکدیگر گفت و گو کنید.

۱- برای آگاهی از شرایط آزادی عقیده، مطبوعات، احزاب و انجمن ها، به قانون اساسی جمهوری اسلامی اصول بیست و سوم، بیست و چهارم و بیست و ششم مراجعه کنید

انتخابات

در نظام سیاسی قانونی، قدرت از طریق نمایندگی به فرد یا افرادی تفویض می‌شود و آنها بر اساس قانون مجازند که از این قدرت استفاده کنند؛ بنابراین، فرد در تفویض قدرت به فرد دیگر (انتخاب نماینده) نقش محوری و مهمی بر عهده دارد و مهم‌ترین نقش و کار فرد، انتخاب نماینده است؛ زیرا اگر افراد در انتخاب نماینده درست عمل نکنند و انتخاب صحیحی انجام نشود، اولین کسانی که زیان می‌بینند خود مردم‌اند.

نحوه انتخاب

در زمان انتخابات، افراد متعددی نامزد (داوطلب) نمایندگی می‌شوند که صلاحیت آنها از نظر داشتن شرایط لازم برای نمایندگی بررسی می‌گردد؛ سپس همه یا گروهی از آنها تأیید و به مردم معرفی می‌شوند. از این زمان به بعد،
— نامزدها (داوطلبان) به معرفی خود و برنامه‌هایشان در مجلس یا در مقام رئیس جمهوری می‌پردازند؛

— سوابق خود را مطرح می‌کنند؛

— خود را نماینده گروه و قشر خاصی هم چون کارگران، مستضعفان، بازاریان،

مهندسان، دانشگاهیان و ... معرفی می‌کنند؛

— صلاحیت‌ها و تخصص‌های خود را بیان می‌کنند؛

— می‌گویند که اگر به مجلس راه یابند یا رئیس جمهور شوند، چه خواهند کرد؛

— و ...

بعد از این، شهروند باید به انتخاب نماینده یا رئیس جمهور بپردازد؛ اما چگونه؟

مراحل انتخاب

الف— هدف از انتخاب: قبل از هر چیز، هر شهروند باید به این پرسش پاسخ دهد:



«انتظار داریم این نماینده (یا رئیس جمهور) در مجلس (یا قوه اجرایی) چه کارهایی انجام دهد و چه اهدافی را دنبال کند»؛ به عبارت دیگر، او باید هدف خود را از انتخاب مشخص کند؛ برای نمونه:

- از اسلام دفاع کند؛
- عدالت اجتماعی را برقرار سازد؛
- کارهای دولت را کنترل کند؛
- شهرم را آباد کند؛
- جاده‌های روستایی را آسفالت کند؛
- و ...

اگر شهروندی نتواند به این پرسش، پاسخی روشن بدهد، انتخاب او **انتخابی کور** خواهد بود. در این حالت، ممکن است مواردی از قبیل تشویق دیگران یا قیافه نامزد نمایندگی و ... او را به پای صندوق رأی بکشاند؛ بدون این که بداند آیا این داوطلب واقعاً نماینده او هست یا نه. **فعالیت ۹-۵** سه نمونه دیگر از مواردی را که نشان‌دهنده انتخاب کور فرد در جریان انتخابات است، ذکر کنید.

- چرا چنین انتخابی را درست نمی‌دانید؟

ب- شناسایی نامزدها: گام دوم در انتخاب نماینده، شناسایی نامزدهاست. شناسایی به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش صورت می‌گیرد که «کدام یک از نامزدها می‌تواند نماینده نظریات و افکار من باشد؟».

در این مرحله، شیوه‌های مختلفی برای شناسایی نامزدها وجود دارد:

اولین راه‌شناسایی، بررسی نکاتی است که نامزد مورد نظر به صراحت در سخنرانی‌ها و تبلیغات خود مطرح می‌کند.

دومین راه، بررسی مطالبی است که **مخالفان** وی در روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها و محافل مختلف نقل می‌کنند.

سومین راه، شناخت هواداران وی است؛ اینکه چه افراد و گروه‌هایی با چه خصوصیتی از او هواداری می‌کنند، برایش تبلیغ می‌کنند، پوستر چاپ می‌کنند و ...

- مرفهان بی‌درد از او حمایت می‌کنند یا توده مردم؟

– افراد متعهد و با صلاحیت از او تعریف می کنند یا افراد بی قید و بند؟

– کدام روزنامه برای او تبلیغ می کند؟ خط و خطوط وی چیست؟

– آیا گفتار او با رفتار و عملش هماهنگ است؟

– و ...

چهارمین راه – در صورتی که فرد قبلاً نماینده بوده یا در پست های اجرایی مشغول به کار بوده است – بررسی سوابق او در این کارها، برنامه ها و جهت گیری های وی است. در صورتی که برای داوطلبان مباحثات تلویزیونی یا رادیویی برقرار باشد، این نیز یک شیوه شناسایی خواهد بود.

راه دیگر، شرکت در مباحثات و سخنرانی های نامزد مورد نظر و پرسش از وی است؛ زیرا معمولاً داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی خود می کوشند به کلی گویی بسنده کنند، بدون اینکه درصدد طرح شیوه های اجرایی برنامه های خود برآیند. در این موارد، مطرح کردن پرسش هایی درباره شیوه های عملی تحقق شعارها می تواند راه گشا باشد.

همچنین، نامزدها ممکن است از مفاهیم کلی و شعارهایی استفاده کنند که معانی متعدد دارد. پرسش از منظور آنها نیز می تواند به ما شناخت دقیق تری بدهد.

برای نمونه، یکی از این شعارها را طرح می کنیم: «حمایت از مستضعفان» شعاری است که اکثراً آن را طرح می کنند؛ در حالی که مفهوم مستضعف و نحوه حمایت از این قشر، معانی و راه های متفاوتی دارد.

– گروهی مستضعفان را به معنای ضعفا و فقرا می گیرند و حمایت از آنها را در گرو گسترش امکانات سازمان بهزیستی یا کمیته امداد امام می بینند.

– گروه دیگر مستضعفان را افرادی می دانند که مستکبران حقوق آنان را پایمال کرده اند و حمایت از آنها از طریق برقراری عدالت اجتماعی میسر می شود (اگرچه مفهوم مستکبران و عدالت اجتماعی نیز همین قدر مبهم است و باید روشن شود).

– به نظر بعضی افراد، مستضعفان ملت های تحت ستم اند و حمایت از آنها از طریق فعالیت سیاسی یا دادن کمک های مالی و نظامی به آنان انجام می گیرد.

فعالیت ۱۰-۵ با توجه به مثال ذکر شده، دو نمونه دیگر از شعارهایی کلی را که معانی متعدد دارند، مشخص کنید؛ سپس برداشت های متفاوتی را که از آنها می شود، بنویسید.



پ – تشخیص و ارزیابی: پس از مرحله شناسایی، گام سوم ارزیابی و تشخیص است؛ اینکه:

– کدام یک از این اطلاعات درست است؟

– آیا می‌توان به وعده‌های این داوطلب امید بست؟

– آیا برنامه‌ای که او ارائه می‌دهد واقع بینانه و تحقق پذیر است. یا اینکه برای خوشایند رأی دهندگان مطرح شده است؟

– اصلاً برنامه‌ای دارد یا این که با بیان شعارهای مردم فریب درصدد جذب آراست؟

در این مرحله، مشخص می‌شود که نظریات و برنامه‌های کدام یک از نامزدها با آنچه شهروند انتخاب کننده می‌خواهد، نزدیک است.

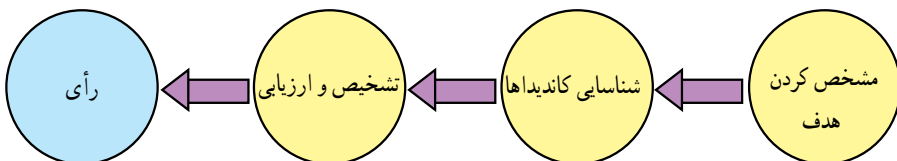
مجموعه این گام‌ها فرد را به انتخابی دقیق‌تر و روشن‌تر هدایت می‌کند.

شاید بگویید: «انتخاب نماینده عجب کار مشکلی است!» ما هم پاسخ می‌دهیم: «بلی، کاری بسیار مهم و مشکل است؛ زیرا هر فرد با انتخاب خویش در واقع سرنوشت چهار ساله خود و کشورش را رقم می‌زند.»

فردی که به پای صندوق‌های رأی می‌رود، اگر به کاغذی که دیگری به دست او می‌دهد و اسامی چند کاندیدا بر آن نوشته است، بسنده کند، چه بسا که به جای انجام وظیفه، به خود و کشور خویش خیانت کرده است؛ زیرا این رأی‌ها، فردی را به‌عنوان نماینده مردم با اختیارات زیاد به مجلس می‌فرستد یا زمام امور کشوری را به دست فردی به نام رئیس جمهور می‌دهد.

دوره جوانی، دوره انتخاب‌هایی مهم چون انتخاب شغل و همسر است و سهل‌انگاری و بی‌توجهی به آن بر سرنوشت فرد اثر می‌گذارد. این دوره، آغاز انتخاب مهم‌تری نیز است (انتخاب نماینده) که سهل‌انگاری در مورد آن بر سرنوشت فرد و جامعه اثر می‌گذارد.

اگر لازمه یافتن شغل مناسب، داشتن انگیزه، مهارت و ... است، در انتخاب نماینده هم داشتن اطلاعات و تشخیص درست از ابزارهای کار محسوب می‌شود.



مراحل انتخاب نماینده

نظام سیاسی و نظام های اجتماعی دیگر

نظام سیاسی و خانواده

افراد قبل از آنکه وارد فعالیت های سیاسی شوند، در خانواده و مدرسه **اجتماعی** می شوند؛ یعنی:

- برای بر عهده گرفتن نقش ها و فعالیت ها در اجتماع بزرگ تر آماده می شوند؛
- الگوهای عمل خاصی برای آنها مطلوب و با ارزش شناخته می شود؛
- گرایش های خاصی پیدا می کنند؛
- ...

در واقع، افراد با **شخصیتی شکل گرفته** به اجتماع بزرگ تر وارد می شوند و به فعالیت های اقتصادی و سیاسی می پردازند.

اگر نوع تربیت فرد در خانواده و مدرسه به گونه ای باشد که با ارزش ها و الگوهای عمل نظام سیاسی متناسب نباشد، فرد و نظام سیاسی دچار مشکل می شوند. فرض کنید فرد در خانواده ای رشد کند که در آن همیشه پدر به طور مستبدانه تصمیم گیری می کند و او نیز این شیوه را طبیعی می داند. چنین فردی به احتمال زیاد، در فعالیت سیاسی نیز به شیوه های مشورتی روی خوش نشان نخواهد داد. - از نظر وی سیاست گذارانی دارای شخصیت مطلوب اند که قاطعانه عمل کنند و به نظریات و انتقادات کمتر توجه داشته باشند.

به عکس، اگر فرد در خانواده ای بزرگ شده باشد که در آن تصمیم گیری با مشورت انجام می شود، آمادگی بیشتری برای قبول شیوه های مشورتی در نظام سیاسی دارد. حالت دیگری را در نظر می گیریم؛ خانواده ای با خانواده های دیگر و خویشاوندان پیوند و رابطه دارد. کودک این خانواده در مراسم جمعی خویشاوندان و مهمانی ها شرکت می کند. در او نسبت به همکاری، عمل جمعی و شرکت در مراسم روحیه مثبت به وجود



می‌آید. این فرد وقتی که به اجتماع بزرگ‌تر وارد می‌شود، به احتمال زیاد به کارهای جمعی گرایش خواهد داشت. در فعالیت سیاسی نیز به تشکیل جمع‌های سیاسی و فعالیت‌های دسته‌جمعی گرایش بیشتری نشان خواهد داد تا عمل فردی.

در حالی که احتمال دارد کودکان خانواده‌هایی که کمتر با خانواده‌های دیگر رفت‌وآمد دارند، در سیاست راه عمل فردی را در پیش گیرند؛ مثلاً در انتخابات به رأی دادن اکتفا کنند. موارد یاد شده برخی از آثار غیرمستقیم خانواده بر فعالیت سیاسی افراد است. خانواده آثار مستقیمی نیز بر فعالیت سیاسی فرد در آینده دارد.

فعالیت ۱۱-۵ دو خانواده زیر را در نظر بگیرید؛

— خانواده‌ای که در آن، والدین در فعالیت سیاسی مشارکت مستمر دارد.
— خانواده‌ای که در آن، والدین فعالیت سیاسی را امری بیهوده تلقی می‌کنند.
چند نمونه از رفتارهای سیاسی افراد تربیت شده در این دو خانواده را در بزرگ‌سالی با یکدیگر مقایسه کنید.

نظام سیاسی نیز بر نظام خانواده اثر می‌گذارد. فرض کنید سیاست‌گذاران در مقابل تهدید خارجی به این نتیجه برسند که باید تولیدمثل افزایش یابد؛ حال چه برای مقابله با دشمن و چه به عنوان یک عامل بازدارنده (آن‌طور که رژیم اشغالگر قدس چنین سیاستی را دنبال می‌کند). در این حالت، شکل خانواده تفاوت خواهد داشت با زمانی که افزایش جمعیت خطر تلقی می‌شود و سیاست‌ها در جهت محدود کردن خانواده سازمان می‌یابد. مقابله با شکل زندگی خانوادگی یکی دیگر از اشکال اثر نظام سیاسی بر خانواده است که در نظام‌های کمونیستی از سیاست‌های اصلی محسوب می‌شد.

علاوه بر اینها نظام سیاسی:

- با ارائه الگوهای مشخص زندگی خانوادگی،
- وضع مقرراتی که اختیارات و وظایف زن و شوهر و فرزندان را در خانواده مشخص می‌کند
- و...

بر شکل خانواده، ازدواج، سن ازدواج و ... اثر می‌گذارد.

فعالیت ۱۲-۵ پنج نمونه از تأثیرات نظام سیاسی را بر خانواده (غیر از موارد گفته شده) بنویسید و آنها را با هم مقایسه کنید.

ارزشی که نظام سیاسی برای فعالیت سیاسی خانواده‌ها قائل است، بر شکل و عمل خانواده‌ها اثر می‌گذارد.

در اجتماع قبیله‌ای که قدرت سران طوایف به تعداد خانواده‌ها و اعضای آنها وابسته است، جایگاه خانواده نسبت به جوامع امروزی که در آنها افراد شخصاً در سیاست دخالت می‌کنند، متفاوت است.

در اجتماعی که ریاست و نقش سیاسی به نسب بستگی دارد، خانواده وضعی متفاوت دارد با جامعه امروزی که نسب در بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی اثری ندارد.

بنابراین، با اینکه در وهله اول به نظر می‌رسد که خانواده و نظام سیاسی چندان رابطه‌ای با یکدیگر ندارند، آنها دارای پیوندهای متقابل بسیاری اند؛ به نحوی که ناهماهنگی میان خانواده و نظام سیاسی تأثیرات منفی بر هر دو خواهد گذاشت.

فعالیت ۱۳-۵ با توجه به نمونه زیر، سه مورد دیگر از ناهماهنگی‌های میان خانواده و نظام سیاسی را بیان کنید و آثار آنها را بر نظام سیاسی و خانواده، در کلاس مورد بحث قرار دهید.

— تأکید خانواده بر ارزش‌های تجملی و اسراف در نظامی سیاسی که بر صرفه‌جویی تأکید دارد.

نظام سیاسی و نظام آموزشی

بعد از خانواده، دومین مرحله اجتماعی شدن فرد در مدرسه و نظام آموزشی انجام می‌شود؛ بنابراین، بخش دیگری از شخصیت، گرایش‌ها و ارزش‌های فرد در این مرحله شکل می‌گیرد. علاوه بر این، مهارت یافتن برای انجام دادن اعمال سیاسی نیز در مدرسه محقق می‌شود.

قرار گرفتن معلمان در کنار والدین به عنوان راهنما و سرمشق کودک، این توانایی را به مدرسه و نظام آموزشی می‌دهد که فرد را حتی در مقابل خانواده و اجتماع بزرگ‌تر قرار دهد



یا اینکه او را به اجتماع و خانواده علاقه مند سازد.

مدرسه در ارتباط با نظام سیاسی در دو جهت عمل می کند :

– ایجاد گرایش منفی یا مثبت در فرد نسبت به نظام و عمل سیاسی،

– ایجاد مهارت برای انجام عمل سیاسی.

علاوه بر این، نظام آموزشی در سطوح بالاتر، نقش دیگری هم در ارتباط با نظام

سیاسی ایفا می کند :

– ایجاد صلاحیت و شایستگی برای بر عهده گرفتن نقش های سیاسی.

در جوامعی که دارای نظام سیاسی قانونی اند، کسانی که سابقه خانوادگی و اشرافیت

دارند دیگر به صرف این سابقه نمی توانند نقش های سیاسی را عهده دار شوند بلکه آنانی که :

– از نظر ذهنی توانمندند؛

– می توانند به خوبی تحلیل کنند، راه حل ارائه دهند و در نتیجه خوب تصمیم بگیرند،

نقش های سیاسی را بر عهده دارند و این کاری است که نظام آموزشی انجام می دهد.

سوابق تحصیلات رؤسای جمهوری، نخست وزیران، وزرا، معاونان و مشاوران و ...

این مدعا را تأیید می کند.

فعالیت ۱۴ – ۵ نظام آموزشی با تغییر موقعیت های اجتماعی و اقتصادی افراد، بر نظام

سیاسی اثر می گذارد. یک نمونه از این مورد را در کلاس مورد بحث قرار دهید.

بنابر آنچه گفتیم، نظام سیاسی در صورتی که بخواهد دوام داشته باشد، باید به طور

مداوم متوجه نظام آموزشی باشد. مسیر بسیاری از جوامع که نظام آموزشی آنها به جای

تریت افراد سازگار با نظام سیاسی، افرادی ناسازگار تربیت می کند در نهایت به تغییر نظام

می رسد. نمونه های این امر :

– نظام سیاسی خودکامه یا دیکتاتوری است که در نظام آموزشی آن مفاهیمی چون

آزادی و برابری آموزش داده می شود و افراد به جای وفاداری به نظام دیکتاتوری برای

به دست آوردن آزادی و برابری سر به شورش برمی دارند؛

– نظام های وابسته که در آموزش آنها ارزش هایی چون استقلال و کارایی برای افراد

درونی می گردد و افراد در جهت ناسازگاری با این نظام ها تربیت می شوند؛

— در نظامی که اطاعت بی چون و چرا و تملق یکی از شیوه‌های دستیابی فرد به نقش‌های سیاسی است و در نظام آموزشی آن تملق و چاپلوسی امری غیراخلاقی و مذموم تلقی شده، فرد به ناسازگاری دچار می‌شود؛

— و ...

پرسش‌های فصل

- ۱- نظام سیاسی را تعریف کنید و آن را با نظام اقتصادی مقایسه نمایید.
- ۲- عمده‌ترین وظیفه نظام سیاسی چیست؟
- ۳- نظام قانونی چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۴- ویژگی‌های دو نظام قانونی و خودکامه را با یکدیگر مقایسه کنید.
- ۵- فعالیت سیاسی چه نوع فعالیتی است؟ مبنا و محدوده آن را چه چیزی تعیین می‌کند؟
- ۶- چند نمونه از آثار و نتایج وجود احزاب، انجمن‌ها و نشریات را در جامعه بیان کنید.
- ۷- مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی قانونی چیست؟ چرا؟
- ۸- رابطه متقابل تربیت خانوادگی و رفتار سیاسی فرد را شرح دهید.
- ۹- نظام آموزشی با نظام سیاسی چه رابطه‌ای دارد؟
- ۱۰- افراد جامعه از چه راه‌هایی می‌توانند نامزدهای نمایندگی را شناسایی کنند؟ توضیح دهید.



مروری بر فصل

- ۱- نظام سیاسی از نقش‌هایی تشکیل شده است. این نقش‌ها برای حفظ تعادل نظام اجتماعی شکل گرفته‌اند، با هم پیوستگی متقابل دارند و می‌توانند در صورت لزوم، برای حفظ تعادل نظام اجتماعی از زور استفاده کنند.
- ۲- با توجه به نوع گروه، نظام‌های سیاسی متفاوتی وجود دارد.
- ۳- به نظامی سیاسی که در آن تمام نقش‌ها و اختیارات حول خواسته‌های یک فرد (حاکم کشور) شکل می‌گیرد و افراد براساس سرسپردگی به او انتخاب می‌شوند، «نظام خودکامه» گفته می‌شود.
- ۴- به نظامی سیاسی که در آن نقش‌ها و صلاحیت‌های اداره‌کنندگان امور کشور را قانون مشخص می‌کند، «نظام قانونی» اطلاق می‌شود.
- ۵- نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نظامی قانونی است که مبنای قوانین مدون آن را قوانین الهی تشکیل می‌دهد.
- ۶- در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر (ولی فقیه) در رأس نظام قرار دارد و مجلس خبرگان او را از بین فقهای موجود انتخاب می‌کند.
- ۷- رسانه‌های گروهی و احزاب و انجمن‌ها نیز جزء نظام سیاسی کشور محسوب می‌شوند.
- ۸- به مجموعه‌ی فعالیت‌هایی که به منظور دستیابی به هدف‌های سیاسی معین (داوطلب شدن، شرکت در انتخابات، شرکت در راه‌پیمایی و...) انجام می‌گیرد، «فعالیت سیاسی» گفته می‌شود.
- ۹- مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی قانونی انتخاب نماینده است.
- ۱۰- لازمه‌ی شرکت آگاهانه فرد در انتخابات، داشتن هدف مشخص، شناسایی نامزدها و تشخیص و ارزیابی صلاحیت آنهاست.
- ۱۱- فرد هر قدر در فعالیت‌ها و انتخابات سیاسی خود با آگاهی بیشتری عمل کند، سلامت سیاسی در جامعه بیشتر می‌شود.
- ۱۲- مشارکت فرد در فعالیت‌های سیاسی مانند انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، شوراهای اسلامی شهر و روستا و غیره باید با آگاهی همراه باشد.
- ۱۳- رفتار سیاسی فرد در جامعه از تربیت خانوادگی او تأثیر می‌پذیرد.
- ۱۴- نظام آموزشی کشور با تربیت سیاسی افراد و دادن مهارت‌های سیاسی لازم به آنها به سلامت و تحکیم نظام سیاسی کمک می‌کند و آنها را برای بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی آماده می‌سازد.

فهرست منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- ابوالحمد، عبدالحمید؛ مبانی سیاست، جلد اول، چاپ پنجم، توس، ۱۳۶۸.
- ۲- ارنسون، البوت؛ روانشناسی اجتماعی، حسین شکرکن، چاپ سوم، رشد، ۱۳۶۶.
- ۳- اسمل سر، نیل جی؛ جامعه‌شناسی اقتصادی، محسن کلاهیجی، چاپ اول، کویر، تهران، ۱۳۷۷.
- ۴- بشیریه، حسین؛ جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۵- دورنیوش، رودیگر و استانیلی فیشر؛ اقتصاد کلان، محمدحسین تیزهوش تاپان، چاپ دوم، سروش، ۱۳۷۵.
- ۶- رابرتسون، یان؛ درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.
- ۷- روشه، گی؛ کنش اجتماعی، هما زنجانی‌زاده، چاپ سوم، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۴.
- ۸- ریتزر، جورج؛ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، چاپ دوم، علمی، ۱۳۷۴.
- ۹- ساروخانی، باقر؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، سروش، ۱۳۷۰.
- ۱۰- سگالین، مارتین؛ جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، حمید الیاسی، چاپ دوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۱- شفیق آبادی، عبدالله؛ راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل، چاپ سوم، رشد، ۱۳۶۷.
- ۱۲- صدیق اورعی، غلامرضا؛ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ اول، جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۷۴.
- ۱۳- صفوی، امان‌الله (مترجم)؛ تئوریهای انحراف (مقاله)، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی شماره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۷۰-۱۳۶۹.
- ۱۴- غفاریان، سیروس و علی اکبر نصیری؛ شناخت حرف و مشاغل، دوره کاردانی تربیت معلم رشته حرفه‌وفن، کد ۷۰۱۶، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.
- ۱۵- قدیری اصلی، باقر؛ کلیات علم اقتصاد، چاپ هفتم، سپهر، ۱۳۷۲.
- ۱۶- کریمی، یوسف؛ روان‌شناسی اجتماعی، چاپ سوم، ارسباران، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۷- کوئن، بروس؛ درآمدی به جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، چاپ سوم، توتیا، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۸- گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، چاپ سوم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۹- محتشم دولتشاهی، طهماسب؛ مبانی علم اقتصاد، چاپ یازدهم، خجسته، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۰- ملکی، حسن؛ آشنایی با قانون اساسی، سال اول، مراکز تربیت معلم، کد ۳۰۱۰، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۱.

